

## یک پنجم جوایز صنایع سبز کشور به هلدینگ‌های شستار رسید

۲۰ شرکت زیر مجموعه شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) برگزیده جایزه ملی «صنعت سبز» کشور شدند. در بیستمین دوره از این جایزه که هفته گذشته با حضور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور برگزار شد، ۱۲ شرکت از زیر مجموعه‌های هلدینگ فارس و خوزستان و سیمان تامین، هفت شرکت تابعه هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی تامین (تاپیکو) و یک شرکت زیر مجموعه هلدینگ صدر تامین، موفق به اخذ لوح و تندیس «صنعت سبز» کشور شدند. سال گذشته نیز ۹ شرکت از شرکت‌های تابعه هلدینگ فارس و خوزستان و سیمان تامین موفق به دریافت جایزه ملی صنعت سبز شده بودند.

یکشنبه ● ۷ بهمن ۱۳۹۷ ● شماره صد و هشتاد و هشت

ا ت ی چ ع ح ن و

## ت

به پرداخت حق مسکن به کارگران از جانب برخی کارفرمایان و تأثیر خنثای این میزان حق مسکن در خانه‌دارشدن کارگران است. در حال حاضر طبق آمارها، ۹۰درصد مستاجران کارمند یا حقوق‌بگیر هستند که کارگران نیز در زمره این افراد به‌شمار می‌روند و بخش زیادی از مستاجران را تشکیل می‌دهند. »

نگاهی به وضعیت کارگران طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد، نسبت حق مسکن نسبت به دستمزد نه تنها افزایش نداشته، بلکه پایین هم آمده است. در سال ۹۲، نسبت حق مسکن به حداقل دستمزد ۷/۵درصد بود، اما در سال‌های بعد چون افزایش صورت نگرفت به سه درصد رسید. یعنی در حالی که باید نسبت حق مسکن به دستمزد افزایش پیدا کند، به‌دلیل فریز مزد، افزایش چندانی پیدا نکرده است. با این حال در دو مقطع، یعنی در سال‌های ۹۲ و ۹۷ با جهش قیمت ارز و التهاب بازار روبه‌رو بوده‌ایم. جمع این اتفاقات منجر شد که هزینه جبران خدمت کارفرمایان در قیمت تمام‌شده حدودا از ۱۴درصد به زیر چهار درصد برسد، بنابراین در حالی که قیمت تمام‌شده کالاها افزایش پیدا کرده، به دستمزد کارگران و به‌تبع آن، حقوق مترتب بر دستمزد همچون حق مسکن، اجازه افزایش متناسب داده نشده است.

وی می‌افزاید: «اگر سایر مولفه‌های تأثیرگذار در قیمت تمام‌شده کالا را در نظر بگیریم، قیمت مواد اولیه تا ۳۰۰درصد رشد داشته و هزینه مبادلات و واردات نیز بالا رفته، یعنی کلیت معیشت کارگران از بین رفته است. تنها حق مسکن نیست که به‌عنوان ضعیفی در تعیین سیاست‌های مرتبط با کارگران، مطرح است، بلکه حق اولاد نیز آن‌قدر ناچیز است که از پس تامین هزینه‌های کوچک آموزشی فرزندان کارگران بر نمی‌آید یا دستمزدهای فعلی که تنها ۲۵درصد هزینه‌های زندگی خانواده‌ها را پوشش می‌دهد. این‌ها نشان از کاهش ارزش مولفه‌های جبران خدمات دارد و مسکن جدا از این‌ها نیست. به نظر می‌رسد حتی تولیدکننده و کارفرما اگر صرفا به فرهنگ و ادبیات این کار دقت کنند، پی می‌برند که کاهش قدرت خرید کارگران، یعنی کاهش متقاضی و مصرف‌کننده کالای تولیدی، که هزینه آن از بالا بردن دستمزدها بیشتر است. یکی از ایرداتی که معمولا از سوی کارشناسان اقتصادی به موضوع افزایش دستمزد، گرفته می‌شود، خطر آن در افزایش نرخ تورم و نقدینگی است، در حالی که قطعا اگر این کارشناسان، بازار کار به‌ویژه بازار ایران را لمس کرده باشند، می‌توانند شهادت بدهند که افزایش نقدینگی حداقل‌بگیرها، تورم ایجاد نمی‌کند.»

#### ■ ضرورت تقویت تعاونی‌های مسکن

بر اساس قانون اساسی، دولت موظف است، بهداشت، مسکن و آموزش مردم را تامین کند. از آنجایی که اقتصاد کشور ما شرایط ویژه‌ای دارد، دولت می‌تواند با تقویت تعاونی‌های مسکن به تامین مسکن کارگران بپردازد. رویکرد فعلی دولت، ورود به عرصه تولید مسکن است، اما کارشناسان معتقدند اگر زمین ارزان یا رایگان در اختیار تعاونی‌های مسکن بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار گیرد تجربه موفق سال‌های آغازین انقلاب در خانه‌دارشدن اقشار کم‌درآمد قابل تکرار خواهد بود.

آنکه تشکیل شدند در ساخت مشارکت کرده و چون در این کار، حرفه‌ای و متخصص نبودند، هزینه تولید مسکن را بالا بردند که خسارت آن به متقاضی مسکن رسید. به‌دلیل همین سیاست‌های غلط، سیستم شفافی در ساخت مسکن و در فرایند فعالیت تعاونی‌های مسکن، به‌وجود نیامد، اما به‌طور کلی تعاونی‌های مسکن طی عملکرد ۳۰ساله خود نسبت به بقیه بخش‌های کشور، عملکرد نسبتا خوبی داشته‌اند و با اصلاح برخی نقطه‌ضعف‌های عملکردی آن‌ها، افزایش تولید مسکن و تامین نیاز مسکن خانوار، میسر است.

رئیس کارگروه مطالعاتی طرح جامع مسکن وزارت راه و شهرسازی

#### یادداشت ● علی حیدری

در زمان جنگ نقل می‌شد که یک بنده خدایی، از مسئولان پول جمع می‌کرد آن هم به دلار و وقتی بچه‌های جبهه از او سوال کردند که در زمان جنگ این پول‌ها را برای چه جمع می‌کنی؟ گفته بود: «این پول‌ها را برای فردای انقلاب جمع می‌کنم و نگه می‌دارم» و بچه‌های جبهه به او گفته بودند: «مرد حسابی اگر ما خدایی ناکرده در جنگ شکست بخوریم که دیگر فردایی برای انقلاب نمی‌ماند که تو برای آن، پول جمع می‌کنی؟!» این شبیه حکایت همان بنده خدایی است که حدود ۱۰سال پیش باب دولتمردان متمول را باز کرد و وقتی از او پرسیدند این همه پول را برای چه جمع کرده‌ای؟ مدعی شده بود که «پول‌ها را برای فردای ظهور حضرت مهدی (عج) جمع کرده است؟!» باری حکایت سازمان تامین اجتماعی به مرحله‌ای رسیده که بدون کمک مجلس و دولت و سایر ارکان و اجزای نظام نمی‌شود فردایی برای آن متصور بود و لازم است یک اتفاق نظر ملی و اجماع رای همگانی برای نجات این سازمان حاصل شود و مجموعه حاکمیت دست‌به‌دست هم بدهند تا در جهت بازگشت تعادل منابع و مصارف (تقدی، جاری و تعهدی، تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌ها و پایدارسازی مالی و سازگارسازی قوانین، مقررات، روال‌ها و رویه‌های اجرایی آن با اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای گام‌های جدی و موثری بردارند. نقطه عزیمت این اقدامات که می‌توان آن‌ها را با رویکرد اضطراری و جبرانی و سپس رویکرد ترمیمی و اصلاحی مدنظر قرار داد و اولویت‌بندی کرد، بایستی بر بازپرداخت تمام یا بخشی از بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی قرار گیرد و تنها در این صورت است که می‌توان در جهت

## فردایِ تامین اجتماعی

#### یادداشت ● علی حیدری

انجام سایر راهکارها اندیشید و حرکت کرد و از سوی دیگر باید از اتخاذ تصمیم‌های مغایر با اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای که منجر به کاهش ورودی‌ها و منابع و افزایش خروجی‌ها و مصارف سازمان تامین اجتماعی می‌شود احتراز ورزید و از تشدید شرایط بحرانی و کسری قابل توجه خودداری کرد. متأسفانه مشاهده می‌شود برخی اقدامات و تلاش‌ها در جهت عکس این رویکردهای الزامی صورت می‌گیرد و در شرایطی که همگان بایستی به کمک سازمان تامین اجتماعی بیایند و در جهت پایدارسازی مالی آن و تامین کسری نقدی، جاری و تعهدی گام بردارند، عکس آن عمل می‌کنند، در حالی که به لحاظ بروز شرایط بحران اقتصادی باید به کمک سازمان تامین اجتماعی که مأمّن و نقطه اتکا و امید نیمی از جمعیت کشور است مبادرت کنند، در جهت عکس عمل می‌کنند. شاهد این مدعا تلاش‌هایی است که برای تغییر هم‌زمان ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی (حق بیمه پیمانکاری‌ها) و ماده ۴۱ قانون کار (حذف حداقل دستمزد یکسان) در جریان است. در حالی که در تمام کشورهای دنیا و حتی کشورهایی که با بحران اقتصادی مواجه نیستند و برای توسعه کسب‌وکار می‌خواهند به ترقیق قانون کار به نفع کارفرمایان مبادرت کنند، ابتدا به تقویت و تعمیم قانون تامین اجتماعی می‌پردازند تا اطمینان خاطر و امید به آینده را در نیروی کار تقویت کنند و سپس به اصلاح، تعدیل و ترقیق قانون کار دست می‌زنند. حتی اگر کشور در شرایط بحران اقتصادی موجود نبود نیز ترقیق هم‌زمان قانون کار و قانون تامین اجتماعی به نفع کارفرمایان توصیه نمی‌شود، بلکه ایجاد رابطه معکوس بین این دو یعنی تقویت قانون تامین اجتماعی و نهاد تامین اجتماعی در مقابل ترقیق و تضعیف قانون کار توصیه می‌شود و در این شرایط، غالب تجارب علمی و عملی دنیا به کمک به نظام تامین اجتماعی



## کتیو | ۰۵



معیشت و زندگی

#### یادداشت

● غلامرضا عباسی

## استقلال تامین اجتماعی، خواسته اصلی کارگران

هر طرحی که در راستای حمایت از نیروی کار باشد، از حمایت‌تشکل‌ها وانجمن‌های صنفی کارگری و کارفرمایی برخوردار است، اما اگر موضوع بحث‌های بیمه‌ای و درمانی مرتبط با کارگران باشد، اهمیت موضوع دوچندان است. در طول یک سال گذشته همه‌ما به‌خاطر داریم که بخش درمان سازمان تامین اجتماعی با چه خطرات بزرگی روبه‌رو شد و تا چه اندازه استقلال و یکپارچگی این سازمان دغدغه صاحبان اصلی آن شد. بند «و» تبصره ۷ لایحه بودجه در شرایطی سال گذشته به اجرا گذاشته شد که کارگران و کارفرمایان و همین‌طور بازنشستگان و مستمری‌بگیران بارها نسبت به تبعات اجرای آن هشدار داده بودند، اما در کمال نابلوری به تصویب رسید. طبیعی است زمانی که می‌شنویم نمایندگان مجلس تصمیم گرفته‌اند در کمیسیون تلفیق، این بند را از لایحه بودجه سال۹۸ حذف کنند، باید ابراز خوشحالی و از آراده‌هایی که در این مسیر به‌کار گرفته شده قدردانی کرد. امیدواریم در مراحل بالاتر نیز این بند به‌طور کلی از دستورکار مجلس خارج شود. واقعیت این است که چنین طرح‌ها و لایحی که از نظر اهل فن برچسب غیرکارشناسی دارند در سال‌های اخیر فشار و استرس زیادی به نیروهای کار و تولید وارد و مشکلات آن‌ها را دوچندان و مضاعف کرده است. از طرف دیگر، باید نیم‌نگاهی هم به اوضاع ویژه سازمان تامین اجتماعی ببندازیم که همه کارشناسان این روزها درباره لزوم صیانت ازمنابع آن در جهت برهم نخوردن تراز آن با مصارف این سازمان مکررا هشدار و انذار می‌دهند. حال آیا منطقی و بجاست که دغدغ‌های دیگر از سمت دولت یا مجلس برای این سازمان و ذی‌نفعان آن ایجاد شود؟ کاملا واضح است که طرح‌های غیرکارشناسی مانند جدایی حساب درمان کارگران نه‌تنها چیزی به عایدی این سازمان و کارگران اضافه نمی‌کند، بلکه داشته‌های فعلی‌اش نیز از بین خواهد رفت. امیدواریم این تصمیم عاقلانه و منطقی کمیسیون تلفیق در حذف بند «و» تبصره ۷در ادامه در صحن مجلس نیز کامل شود.

بدون تردید تشکلهای کارگری نیز از این موضع و تصمیم حمایت کامل و همه‌جانبه‌ای خواهند کرد. خواسته تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی کارگری است که دولت و مجلس دیدگاه‌ها و نظرات فنی و دلسوزانه کارشناسان تامین اجتماعی و شرکای اجتماعی آن‌ها را جدی بگیرند. زمانی که مسئولان و کارشناسان حوزه رفاه و تامین اجتماعی صحبت از بحران و چالش در حوزه صندوق‌ها می‌کنند طبیعی است که نگرانی و فشار اصلی را جامعه کارگری متحمل می‌شود. گرچه شرکای اجتماعی سازمان تامین اجتماعی در مقابل هر اقدامی که استقلال و یکپارچگی این سازمان را از بین ببرد حساس هستند، اما واقعیت این است که انتقال سهم درمان کارگران با هر بهانه و به هر اسمی که مطرح شود برای کارگران اهمیت حیاتی دارد. ما معتقدیم درمان وبترین وپیشانی خدمات سازمان تامین اجتماعی است و هر خدمتی که در این حوزه انجام می‌شود انعکاس دهنده کلیت سازمان تامین اجتماعی است. به همین دلیل اگر تامین اجتماعی در سنگر اول خود دچار مشکل شود وسازمان‌ها و نهادهای بیرونی به این عرصه ورود کنند، اثرات سوء آن، بیشتر نمایان می‌شود.

جامعه کارگری کشور که بزرگ‌ترین گروه و طبقه در کشور به‌شمار می‌رود از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی انتظارات مشخصی دارد. اولین ومهم‌ترین مسئله احترام به استقلال و یکپارچگی این سازمان به نحوی است که هیچ فرد و گروه نهادی به خود اجازه ندهد به این حوزه حساس و کلیدی و در عین حال تخصصی ورود کنند. مسئله دیگر این است که از نظر بسیاری از خبرگان حوزه رفاه با ادامه روند کنونی، سازمان تامین اجتماعی با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد، بنابراین باید به مسائل این سازمان به‌خصوص پرداخت مطالبات ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی آن از دولت توجه‌وافی و کافی صورت گیرد.

قائم مقام دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی

کارگران ایران



## تصمیمی به‌غایت درست

تبصره ۷ لایحه بودجه۹۸، تصمیمی به غایت درست اتخاذ کردند. علی‌القاعده جامعه کارفرمایی کشور از اینکه سیاست‌های کلان در حوزه درمان در سطح کشور یکنواخت شود به‌صورتی که تمام کسانی که توسط سازمان‌های مختلف خدمات درمانی دریافت می‌کنند، با یک سیاست مشترک، خدماتی در سطح یکسان دریافت کنند استقبال می‌کند، به‌شرطی که نحوه هزینه‌کرد منابع مربوط به درمان، به خود سازمان‌ها و نهاده‌ها واگذار شود، زیرا آن طور که ما اعضای جامعه کارفرمایی کشور تصور می‌کنیم در صورتی که هزینه‌کرد این منابع به نهادهای غیر مرتبط، واگذار شود، امکان نظارت از ما گرفته می‌شود و این موضوع به نفع جامعه کارگران و مستمری‌بگیران نخواهد بود، زیرا دیگر نمی‌توانیم پیگیری کنیم که سهم درمان از حق بیمه‌ها در کجا و چطور هزینه شده است. جامعه کارفرمایی کشور، ضمن تشکر از این اقدام شایسته اعضای محترم کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی، انتظار دارد در دیگر مواد مرتبط با

#### یادداشت ● مرتضی رجبی

نه بیست و هفتم حق بیمه‌ای که هر ماه، جامعه کارفرمایی به سازمان تامین اجتماعی می‌پردازد، مربوط به درمان است، از این رو جامعه کارفرمایی انتظار دارد این سهم توسط سازمان تامین اجتماعی و در راستای بهبود وضعیت سلامت و ارتقای خدمات درمانی برای کارگران بیمه‌شده، هزینه شود، بنابراین باقی‌ماندن این بخش از حق بیمه در اختیار سازمان تامین اجتماعی و هزینه‌کرد براساس سیاست‌های منبث از آرای شرکای اجتماعی در هیئت‌امنا و دیگر نهادهای تأثیرگذار بر سیاست‌های عملکردی سازمان تامین اجتماعی برای ما اعضای فعال جامعه کارفرمایی کشور، از اهم مسائل است.

طبعاً کمیسیون تلفیق با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع و البته پی‌بردن به لزوم نظارت شرکای اجتماعی بر نحوه هزینه‌کرد منابع بخش درمان، با حذف بند «و»

فعال کارفرمایی